Original Article

Health Functions of Guilan Baladieh Association in Mashroote Era
(With Emphasis on Rasht Baladieh Association)

Azam Esmailzadeh[1*], Mohammad Hasan Moradi[2]
1. Assistant Professor in History, Payamnoor University, Iran. (Corresponding Author)
Email: A.esmailzadeh6@gmail.com
2. Assistant Professor in History, Payamnoor University, Iran.

Received: 2 Sep 2019 Accepted: 17 Nov 2019

Abstract:
Background and Aim: In Guilan, during Qajar era many associations established with different functions. Baladieh association was one of these. Lack of health centers, Lack of training health principles and humid climate of Guilan lead to much death inthis region, annually. The aim of this research is study the health functions of Guilan Baladieh Association in Mushroomed era (with emphasis on Rasht Baladieh Association).
Materials and Methods: This research is done using library references and Mashroote newspapers via data descriptions and analysis and include mashroote era, from 1906-1911.
Findings: The Guilan Baladieh Association in the Mashroote era, for the first time, many carried out many public health's via the Baladieh (municipal) elections and establishment of the Baladieh and the establishment of a sanitation association in many cities of Guilan. The findings showed that, with the supervision and cooperation of the Baladieh Association with Baladieh Guilan, measures such as paving muddy streets, cleaning public baths, and implementing public health in food preparation and storage centers such as meat, ice, and so on.., also oversees pharmacies and the work of physicians in the Mashroote era. The establishment and establishment of the Sanitation Association, in collaboration with the Provincial and Baladiya Association, played a major role in health care such as vaccination even in remote villages of Guilan. Inviting people to embrace modern medicine by sending Hafiz al-Sahwah agents to various areas, establishing a quarantine station, and inserting medical announcements regarding the introduction of doctors are other important health functions of the Baladiyah Guilan Association in the Mashroote era.
Conclusion: Holding elections for the Raleigh Baladieh Association with the participation of people from different localities in Rasht and electing representatives of the Rasht neighborhoods, led the Baladieh Guilan Association to provide valuable health care in the constitutional era, relying on its grassroots base as the first regional health supervisor. He did it in Guilan.
Keywords: Guilan; Hygiene; Association; Baladieh; Mashroote

Please cite this article as: Esmailzadeh A, Moradi MH. Health Functions of Guilan Baladieh Association in Mashroote Era (With Emphasis on Rasht Baladieh Association). *Med Hist J* 2020; 11(41): 61-69.

مقاله پژوهشی

کارکردهای بهداشتی انجمن بلدیه گیلان در عصر مشروطه (با تکیه بر انجمن بلدیه رشت)

اعظم اسماعیل‌زاده[۱]*، محمدحسن مرادی[۲]

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: A.esmailzadeh6@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۶

چکیده

زمینه و هدف: در عصر قاجار، در گیلان انجمن‌های فراوانی تشکیل شد. هر کدام از این انجمن‌ها، کارکردهای مختلفی داشتند. انجمن بلدیه یکی از این انجمن‌هاست. نبود مراکز بهداشتی، عدم آموزش اصول بهداشتی و همچنین آب و هوای رطوبتی گیلان، سالانه باعث مرگ و میر افراد زیادی در این منطقه می‌شد. هدف پژوهش حاضر بررسی کارکردهای بهداشتی انجمن بلدیه (با تکیه برانجمن بلدیه رشت) در عصر مشروطه می‌باشد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روزنامه‌های عصر مشروطه به روش توصیفی و تحلیلی داده‌ها انجام شده است. این مطالعه مقطعی شامل دوره مشروطه، از ۱۹۰۶میلادی نخستین سال مشروطه تا ۱۹۱۱ میلادی (بسته‌شدن مجلس دوم) می‌باشد.

یافته‌ها: انجمن بلدیه گیلان در عصر مشروطه برای نخستین‌بار با برگزاری انتخابات بلدیه (شهرداری) و تأسیس بلدیه و تشکیل انجمن حفظ‌الصحه در بسیاری از شهرهای گیلان موفق به انجام اقدامات بهداشتی عمومی فراوانی شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که با نظارت و همکاری انجمن بلدیه با بلدیه گیلان، اقداماتی چون سنگفرش‌نمودن خیابان‌های پر از گل و لای، تمیز نمودن حمام‌های عمومی و اجرای بهداشت عمومی در مراکز تهیه و نگهداری مواد غذایی چون؛ گوشت، یخ و...، همچنین نظارت بر داروخانه‌ها و کار پزشکان در عصر مشروطه را به انجام رسانیده است. تأسیس و ایجاد انجمن حفظ‌الصحه که با همکاری انجمن ولایتی و بلدیه صورت گرفت، نقش زیادی در انجام امور بهداشتی چون واکسیناسیون حتی در روستاهای دور افتاده گیلان داشت. دعوت از مردم به استقبال از پزشکی نوین از طریق ارسال مأموران حافظ الصحه به مناطق مختلف، تأسیس ایستگاه قرنطینه و همچنین درج اعلانات پزشکی در خصوص معرفی پزشکان، از دیگر کارکردهای با اهمیت بهداشتی انجمن بلدیه گیلان در عصر مشروطه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: برگزاری انتخابات انجمن بلدیه رشت با شرکت مردم محلات مختلف رشت و انتخاب‌شدن نمایندگان مردم محلات مختلف رشت، باعث شد که انجمن بلدیه گیلان با تکیه بر پایگاه مردمی‌اش و به عنوان اولین مجری و ناظر امور بهداشتی منطقه، خدمات بهداشتی ارزشمندی را در عصر مشروطه درگیلان به انجام رساند.

واژگان کلیدی: گیلان؛ بهداشت؛ انجمن؛ بلدیه؛ مشروطه

مقدمه

یکی از دستاوردهای جنبش مشروطه، تشکیل انجمن‌های متعدد در مناطق مختلف بود. از جمله مناطقی که هم‌زمان با تهران و تبریز در آن انجمن ملی تشکیل شد، شهر رشت بود. به دنبال تشکیل انجمن‌های ملی، انجمن‌های متعددی با نام‌های مختلف تشکیل شدند. یکی از این انجمن‌ها، انجمن بلدیه بود. به دنبال تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و معرفی‌نمودن گیلان به عنوان ولایت از طرف مجلس، تمامی انجمن‌های ملی در گیلان برچیده شدند و به جای آن‌ها انجمن بلدیه تشکیل شد. انتخابات انجمن بلدی رشت بدور از هرگونه در نظرگرفتن طبقه بندی اجتماعی، با شرکت مردم محلات مختلف رشت و راه‌یابی برگزیدگان آن‌ها برگزار شد. انجمن بلدیه با تشکیل و حمایت از انجمن حفظ‌الصحه موفق به انجام اموری چون واکسیناسیون و آموزش بهداشت عمومی در بین مردم شد. برگزاری انتخابات بلدیه توسط انجمن بلدیه و تشکیل بلدیه (شهرداری) در رشت، سبب شد که انجمن بلدیه با همکاری بلدیه، کارکردهای بهداشتی دیگری چون سنگفرش‌کردن خیابان‌های پر ازگل و لای، تمیز نمودن جوی آبها و فاضلاب‌ها، نظارت بر تمیز ماندن اماکن عمومی چون؛ حمام‌ها و مراکز تهیه و نگهداری مواد غذایی چون گوشت و نان و آب شرب، حتی نرخ‌گذاری قیمت‌ها و شماره‌گذاری درب منازل را در عصر مشروطه در گیلان داشته باشد.

مسأله پژوهش حاضر تبیین و بررسی کارکردهای بهداشتی انجمن‌های بلدیه گیلان (با تکیه بر انجمن بلدیه رشت)، در عصر مشروطه اول و دوم با ابتناء به داده‌های تاریخی به روش توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد.

با توجه به محلی‌بودن موضوع و تأکید منابع ملی در خصوص کارکردهای انجمن‌های تهران که تنها در برخی موارد اشاره‌ای کوتاه به برخی از اقدامات سیاسی انجمن‌های گیلان داشته‌اند، تکیه اصلی پژوهش بر اساس شماره‌های متعدد روزنامه‌ها، به خصوص روزنامه‌های محلی گیلان عصر مشروطه چون؛ روزنامه گیلان، ساحل نجات، حبل‌المتین یومیه، خیرالکلام، نسیم شمال، انجمن ملی ـ ولایتی گیلان، وقت و روزنامه مجلس می‌باشد. جستجو در پیشینه ی تحقیق نشان داد که در خصوص کارکردهای بهداشتی انجمن بلدیه گیلان (رشت) پژوهشی صورت نگرفته است. مقاله‌ای تحت عنوان «حکومت مشروطه و شکل‌گیری مدیریت جدید شهری در انزلی»، توسط محمد بی‌طرفان انجام شده است. این پژوهش به بررسی اقدامات انجمن بلدیه انزلی (با تکیه بر تک‌سندی از انجمن بلدی انزلی) مبنی بر اعزام معلم فرانسه برای مدرسه محمدیه بندرانزلی پرداخته است.

بحث

۱ـ انجمن‌های عصر مشروطه

در عصر مشروطه انجمن‌های فراوانی با نام‌ها و عناوین مختلف در ایران به وجود آمدند. این انجمن‌ها نه تنها در شهرها، بلکه در برخی از مناطق روستایی نیز تشکیل شدند. نخستین انجمن ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی در تبریز و سپس در رشت و تهران و اصفهان تشکیل شد (۱).

در یک تقسیم‌بندی عمومی می‌توان انجمن‌های عصر مشروطه را به دو نوع انجمن‌های رسمی و غیر رسمی تقسیم نمود. انجمن‌های رسمی عبارت بودند از: ۱ـ انجمن ایالتی-ولایتی؛ ۲ـ انجمن ملی؛ ۳ـ انجمن بلدیه؛ ۴ـ انجمن معارف. انجمن‌های غیر رسمی نیز عبارت بودند از: ۱ـ انجمن‌های سیاسی؛ ۲ـ انجمن‌های صنفی؛ ۳ـ انجمن‌های اقلیت‌های مختلف (۲).

در خصوص الگوی تشکیل انجمن‌ها در ایران، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. اتحادیه معتقد است، این احتمال است که انجمن‌های ایران به تقلید از سوئیت‌های انقلابی روسیه تشکیل شده باشند (۳). علاقه برخی از رهبران روشنفکر تندرو مشروطه چون یحیی‌میرزا و مخبرالسلطنه به انقلاب فرانسه، الگوی تقلید از انقلاب فرانسه را تقویت می‌نماید. به نظر یزدانی نمی‌توان بینش آنان را عامل مؤثر در شکل دهی پدیده انجمن در ایران دانست (۴). به اعتقاد فلور انجمن‌ها، بر پایه سنت اصناف به وجود آمدند (۵). با این همه، انجمن‌های شهری ایران ترکیب طبقاتی متنوعی داشتند (۶). با در نظرگرفتن این مهم که انجمن‌ها توسط گروه‌های مختلف اجتماعی تشکیل شده بودند، می‌توان سنت تشکیل این

انجمن‌ها را به جامعه‌ای که در آن تشکیل می‌شدند، مربوط دانست. با نگاهی به کارکردهای انجمن‌های جوامع مختلف، متوجه تفاوت‌های اجرایی آن‌ها خواهیم شد.

در خصوص کارکردهای انجمن‌ها، دیدگاه‌های مختلفی در داخل و خارج وجود داشت. نمایندگان مجلس به کرات، اقدامات و دخالت‌های بیش از حد انجمن‌ها را زیر سؤال می‌بردند (۷). کنسول روس در سال ۱۹۰۸ در مورد دخالت انجمن‌ها چنین می‌نویسد: «دخالت انجمن‌ها در یک رسیدگی قضایی که در چند روز اخیر در وزارت عدلیه انجام گرفته بود، وزیران را وادار به استعفا کرد. وزیران از پارلمان درخواست نموده، تا استقلال آن‌ها را از دخالت انجمن‌ها حفظ کند» (۸). قدرت اجرایی انجمن‌ها حد و مرز نداشت. بسیاری از آن‌ها دارای پایگاه مردمی بودند، همین امر باعث قدرت اجرایی بالای آن‌ها می‌شد. انجمن بلدیه، یکی از انجمن‌های رسمی بود که در عصر مشروطه، همزمان با تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی در مناطق مختلف ایران تشکیل شد. این انجمن با توجه به نوع برگزاری و انتخاب اعضایش که توسط مردم محلات مختلف یک شهر تعیین می‌شدند، از پایگاه مردمی بالایی برخوردار بود.

۲ـ انجمن‌های بلدیه گیلان

قبل از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، در بسیاری از ولایات گیلان به مانند دیگر مناطق کشور، انجمن‌های متعددی تشکیل شده بودند، پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مجلس و پس از برگزاری جلسات مختلف در مجلس، علی‌رغم اعتراض‌های متعدد از گیلان توسط گروه‌ها و انجمن‌های ملی، سرزمین گیلان با ۷۲ رأی موافق نمایندگان بر ولایت‌شدن گیلان و ۶ رأی مخالف و ۲ رأی امتناع به عنوان ولایت شناخته شد (۷). این رأی تضعییات متعددی را برای گیلان به همراه داشت. به موجب این حکم تنها در رشت یک انجمن ولایتی تشکیل شد و دیگر انجمن‌های ولایتی و ملی شهرهای دیگر برچیده شدند و جایگزین آن‌ها، انجمن‌های بلدیه درآن شهرها تشکیل شدند. نخستین مذاکرات در خصوص نظام‌نامه بلدی در تاریخ پنجشنبه ۲۹ محرم ۱۳۲۵ قمری در مجلس قرائت شد و در همان روز به تصویب رسید (۹). انجمن بلدیه مرکب بود از اعضایی که از محلات مختلف شهر انتخاب می‌شدند. عده اعضای انجمن بلدیه در شهرهای کوچک شانزده نفر و در شهرهای متوسط ۲۰ نفر و در شهرهای بزرگ ۳۰ نفر بود (۱۰). شهر رشت، تنها ولایت گیلان بود که در کنار انجمن ولایتی می‌توانست یک انجمن بلدیه تشکیل دهد. بنا به نظر رابینو بنا شد که برای هر محله شهر یک انجمن بلدیه تشکیل شود (۱۱)، اما آنچه از منابع این دوره حاصل می‌شود، تنها یک انجمن بلدیه در عصر مشروطه در رشت تأسیس شده است. به نظر می‌رسد مطلب رابینو به این امر مربوط می‌شود که انجمن بلدیه از شرکت مردم محلات مختلف رشت تشکیل شد. در مورد تاریخ تشکیل و چگونگی برگزاری انتخابات نخستین انجمن بلدیه رشت، مطمئن‌ترین منبع سند خوانده شده محمود دهقان می‌باشد. بنا به تاریخ ارائه‌شده این سند، انتخابات انجمن بلدیه رشت در روز جمعه تاریخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری در مسجد صفی انجام پذیرفت. در این انتخابات حاجی میرزاابوطالب با ۹۰۲ رأی به عنوان اولین رئیس انجمن بلدی رشت انتخاب گردید (۱۲). فخرایی معتقد است که انتخاب افرادی چون رحیم شیشه‌بر ـ که از فعالان و همراهان مردم گیلان در جنبش دهقانی بود ـ به عنوان اعضای انجمن بلدیه رشت، می‌تواند نظر ما را به صحت انتخابات مذکور معطوف سازد (۱۳).

انزلی یکی از شهرهای گیلان بود که بر اساس لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی باید انجمن ملی آن منحل می‌شد و جایگزین آن انجمن بلدیه تأسیس می‌شد. سخن یکی از نمایندگان مجلس در خصوص تأسیس انجمن بلدیه در انزلی «انزلی نمی‌تواند انجمن ولایتی داشته باشد، خوب است در آنجا انجمن بلدی تشکیل شود که خیلی مختصر تفاوتی با انجمن ولایتی دارد» (۷). جهت اجرای این حکم دو نماینده اعزامی مجلس به نام‌های معاضدالسلطنه و محمد صفی‌خان عازم انزلی شدند، انجمن ملی انزلی را منحل نموده و انجمن بلدیه را در این شهر تشکیل دادند (۱۱). وقایع‌نگار روزنامه حبل‌المتین در خصوص برگزاری و تشکیل انجمن بلدیه چنین می‌نویسد: «انتخابات برای انجمن بلدیه، امروز چهارشنبه ۹

شعبان ۱۳۲۵ ختم و امروز روز بازکردن پاکات آرا است. شانزده نفر وکلا انتخاب و تعیین شدند» (۱۴). با وجود اطلاعات بسیار اندک برخی از روزنامه‌های محلی گیلان از تشکیل انجمن بلدیه در شهرهایی چون آستارا و لاهیجان خبر می‌دهند. روزنامه خیرالکلام در شماره ۲۴ خود خبر از تشکیل انجمن بلدی آستارا تحت نظر انجمن ولایتی می‌دهد (۱۵).

۳ـ کارکردهای بهداشتی انجمن‌های بلدیه گیلان در عصر مشروطه

از مصوبات مجلس اول، قانون انجمن بلدی یا «نظامنامه بلدی» بود که بر اساس آن مردم هر شهری می‌توانستند در بازسازی و بهسازی شهر خود نظارت و دخالت مستقیم داشته باشند و این امر درآن دوران بسیار مفید و مترقیانه بود (۱۶). وجود بیماری‌های واگیر در ایران، عدم حضور مراکز بهداشتی و آب و هوای مرطوب منطقه باعث شده بود که مردم گیلان در عصر قاجار از وضعیت بهداشتی نامطلوبی برخوردار باشند. «بایندر» در سفرنامه خود در خصوص آب و هوای گیلان چنین می‌نویسد: «گل خندق‌های کنار جاده بوی زننده لجن مردابی را منتشر می‌سازد. اینجا سرزمین پوسیدگی گیاهان است. انسان احساس می‌کند از بخاری مرطوب خیس شده است. زنان اوقات خود را در شالیزارها می‌گذرانند، در حالی که زنان ظاهراً نیرومند و سالم به نظر می‌رسند، معذالک همه چشم‌های گود دارند و از تب رنج می‌برند» (۱۷). «لندور» نیز در سفرنامه خود علی رغم بیان مناطق ساحلی به عنوان زیباترین منطقه ایران، این مناطق را از نظر بهداشت و سلامت برای زندگی مناسب نمی‌داند (۱۸). به دلیل همین موقعیت آب و هوایی بیماری‌های فراوان بی‌شماری در این منطقه وجود داشت. تقریباً دوسوم جمعیت گیلان در دوره قاجاریه، در طی شیوع بیماری طاعون از بین رفتند (۱۹). با توجه به این شرایط تشکیل انجمن بلدیه تا حد زیادی می‌توانست در بهبود شرایط بهداشت عمومی گیلان تأثیرگذار باشد.

نخستین اقدام انجمن بلدیه رشت جهت اجرای برنامه‌های بهداشتی خود، برگزاری انتخابات جهت انتخاب رئیس بلدیه (شهردار)، و تشکیل بلدیه بود. بر طبق انتخابات انجمن بلدیه، «حاجی‌میرزا خلیل رفیع» به ریاست بلدیه و به عنوان اولین شهردار رشت به فعالیت در امر شهر پرداخت (۱۳). انتخاب اجزای بلدیه و تعیین مقرری برای مستخدمین بلدیه و همچنین ترتیب تکالیف و وظایف بلدیه و دوایر جزء آن و نوشتن دستورالعمل آن‌ها، رسیدگی به اعمال اداره بلدیه و نظارت بر تمامی اقدامات بلدیه بر عهده انجمن بلدیه بود. در واقع بلدیه انجام‌دهنده تکالیف و وظایف تعیین‌شده از سوی انجمن بلدیه بود، حتی در جزئی‌ترین مواردی چون تعیین و تعدیل نرخ گوشت و نان (۱۰). بنابراین با وجود این‌که انجمن‌های بلدی جایگزین انجمن‌های ملی شده بودند، تفاوت‌های بسیاری بین وظایف آن‌ها وجود داشت. سنگفرش نمودن خیابان‌ها، کوچه‌ها، شماره‌گذاری درب منازل و اماکن عمومی، رسیدگی به بهداشت اماکن عمومی از وظایف مهم انجمن بلدیه بود. نسیم شمال در وصف عملکرد بلدیه رشت، که زیر نظر انجمن بلدیه فعالیت می‌کرد، چنین می‌سراید:

«طالع‌شده در رشت هلال بلدیه
ای چشم تو روشن
گردید صفای چمن رشت
از لای لجن پاک شده شارع و جاده
گردید جدا راه سواره ز پیاده
آبادی شهر است مقال بلدیه
ای چشم تو روشن
بقالی و عطاری و طباخ نظیف است
دلاک صفا داده و حمام نظیف است» (۲۰).

روزنامه گیلان نیز از برقراری روشنایی عمومی در سطح شهر رشت توسط انجمن بلدیه خبر می‌دهد: «اداره چراغ برق که مدتی است با اقدامات سریعه آقامحمدحسین رئیس التجار در رشت دایر شده والحق وطن‌پرستی ایشان جای هزاران تحسین است اداره این امور از وکالت انجمن محترم بلدیه است» (۲۱).

تشکیل انجمن حفظ‌الصحه توسط انجمن ولایتی و بلدیه، اقدام دیگری در جهت آموزش بهداشت عمومی حتی در روستاهای گیلان بود. روزنامه گیلان از پرداخت مقرری از طرف بلدیه به انجمن حفظ‌الصحه توسط انجمن بلدیه خبر

می‌دهد: «بلدیه لاهیجان در باب حفظ‌الصحه لاهیجان تشکیل و به آقا ضیاءالاطبا واگذار گردید. قراره هر ماه ۲۵ تومان بلدیه به حفظ‌الصحه بدهد» (۲۱). انجمن حفظ‌الصحه با فرستادن مأمورانی به اسم حافظ الصحه به روستاهای دور افتاده گیلان به اقداماتی چون آبله‌کوبی می‌پرداخت. همچنین یکی از اهداف اصلی این مأموران، آموزش پزشکی نوین در بین مردم بود. تأسیس ایستگاه‌های قرنطینه در شهرها بندری و مناطق مختلف ایران نیز یکی از اقدامات انجمن حفظ‌الصحه بود. در گیلان نیز دو ایستگاه قرنطینه در آستارا و بندر انزلی در عصر مشروطه تشکیل شد (۲۲). تا قبل از تشکیل انجمن حفظ‌الصحه و انجمن بلدیه هیچ گونه نظارتی بر کار پزشکان و داروخانه‌ها وجود نداشت. بسیاری از مرگ و میرها به واسطه عدم نظارت برکار پزشکان و داروهای تجویزی توسط آن‌ها به وجود می‌آمد. روزنامه ساحل نجات در مطلبی وجود انجمن حفظ‌الصحه را برای گیلان لازم می‌داند: «اداره حفظ‌الصحه لازم داریم که مردم بیچاره را برای ۱ تومان حق‌المعالجه و ۵ هزار تومان پول دوا، مثل طفل حبیب‌خان فراش تلگراف خانه به دوای غلط نکشند. باید انجمن حفظ‌الصحه بخواهیم» (۲۳). «بهلر» نیز در سفرنامه خود از مرگ تعداد زیادی از نظامیان رشت، توسط یک «طبیب نابلد»، به دلیل عدم نظارت هیچ نهادی بر کار پزشکان خبر می‌دهد (۲۴). انجمن بلدیه گیلان، با پرداخت مبالغی به روزنامه‌های محلی بر آن بود تا با درج مطالبی در خصوص معرفی پزشکان نوین، مردم را به روش‌های جدید درمانی دعوت و از درمان‌های خرافی دور نماید. اعتقادات و خرافاتی که بداندیشان و شکست‌خوردگان جامعه به عمد یا به غیر عمد ساخته و پرداخته و در میان مردم رواج داده بودند، بعضی از آن‌ها، زیان‌های بزرگ بهداشتی، اخلاقی و اجتماعی به همراه داشت (۲۵). تا این زمان در درمان بیماری‌ها بیشتر به روش خرافی روی می‌آوردند. «ویلس» در کتاب خود در این مورد چنین می‌نویسد: «ایرانیان هر مریضی را که آبله داشته باشد، او را در رختخواب می‌خوابانند و به دواهای نافله‌ای که از خودشان تجویز می‌نمایند، به معالجه او می‌پردازند» (۲۶). روزنامه خیرالکلام از تشکیل جلسه توسط انجمن بلدیه و انجمن حفظ‌الصحه رشت با اطبا و پزشکان رشت خبر می‌دهد که نتیجه آن جلسه، طی یک دستورالعمل مفید جهت انجام و اجرای بهداشت عمومی از طرف اداره بلدیه نشر داده شد (۱۵).

یکی دیگر از کارکردهای مهم بهداشتی انجمن بلدیه که توسط بلدیه در گیلان اجرایی شد، نظارت کامل بر حمام‌ها بود. تا این زمان حمام‌های عمومی، وضعیت بسیار اسفباری داشتند، آب خزینه‌های حمام‌ها مملؤ از میکروب بود. به حکم بلدیه رشت، آب حمام‌ها را هر روز تعویض می‌کردند و صاحبان امراض عمومی مسری را در حمام‌های عمومی راه نمی‌دادند (۲۱). برای نظافت حمام‌ها، به دستور بلدیه رشت، هر روز صاحبان حمام‌ها باید آهک و محلول زاج سبز در میان حوض آب حمام‌ها می‌ریختند. همچنین به دستور بلدیه، طاق‌ها و خروجی حمام‌ها که از کثافات پر شده بودند، باید خوب تخلیه می‌شد (۱۵). انجمن بلدیه، جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری نه‌تنها بر کار حمام‌ها، بلکه در طی حکمی دستور دفن اموات، علی‌الخصوص کسانی را که بر اثر بیماری‌های واگیر فوت کرده بودند را در خارج از شهر صادر نمود (۱۵).

تا قبل از تشکیل انجمن بلدیه هیچ گونه نظارتی بر قیمت‌ها نبود و اجناس به قیمتی که فروشندگان آن تعیین می‌نمودند، به فروش می‌رسید. روزنامه انجمن ولایتی گیلان این وضعیت گرانی مواد غذایی رشت را در دوره مشروطه با زبان طنز، بیان می‌کند:

«مرد بقال گفت با زنبور / که از این دکه و طبق شو دور
گفت: انگور من ترش باشد / می‌کند چشم مدعی را کور
گفت:پس اینقدر گران از چیست/ که کس از نزد او نکند عبور
گفت: آزاد کرد مشروطه / فکر و ذکر همه وحوش و طیور
گفت: این شهر را حسابی نیست / این یکی مست و آن یکی مخمور» (۲۷).

یکی دیگر از وظایف انجمن بلدیه و بلدیه نظارت بر اماکن فروش و تهیه مواد غذایی و همچنین تعیین نرخ قیمت آن بود. روزنامه حبل‌المتین یومیه در خصوص این وظیفه انجمن بلدیه چنین می‌نویسد: «از وظایف بلدیه است که ارزاق را ارزان و فراوان سازد و تنظیفات لازمه را معمول و مجری دارد

و کثافات را رفع کند و آب پاک و سالم به مردم دهد» (۱۴). در عصر مشروطه چون عمل قصاب خانه‌ها و قیمت گوشت در رشت معلوم نبود، تقریباً اکثر قصاب‌ها در دو ماه محرم و رمضان به دنبال افزایش قیمت گوشت بودند. به همین منظور اعضای انجمن بلدیه و بلدیه و جمعی از تجار در انجمن حاضر شدند. پس از مذاکرات، قرار شد عمل قصاب خانه‌ها را به شخصی به نام اسمعلی‌خان واگذار کنند که در چهار فصل گوشت را به تفاوت وقت، با یک قیمت ثابت به فروش برسانند (۲۱). همچنین بلدیه بر کار چوب‌دارها و قصاب‌ها و رعایت بهداشت توسط آن‌ها نظارت کامل داشت. بلدیه گیلان برای حمل گوشت و نظافت آن یک عرابه سرخ و یک عرابه‌چی سرخ‌پوش را تهیه دیده بود (۱۵). ضمن انجام این اقدامات بهداشتی توسط کارکنان بلدیه در نظارت و نگهداری مواد غذایی، انجمن بلدیه در طی اعلان‌های عمومی مردم را به روش درست حمل و نگهداری مواد غذایی و دام و طیور دعوت می‌نمود. یکی از راه‌های کسب درآمد مردم محلی فروش مرغ‌های خانگی در بازارهای محلی بود. عموماً حمل مرغان به صورت نادرست صورت می‌گرفت. متن یک اعلامیه ادراه بلدیه گیلان مندرج در روزنامه خیر الکلام در خصوص حمل مرغان خانگی، «به عموم اهالی و مخصوصا بازارگردها، قدغن اکید می‌شود که از به سرآویختن حیوانات از قبیل مرغ و مرغابی و... خودداری نمایند و از این تاریخ هرگاه مرغی یا حیوانی دیگر دیده شود که آویخته است مرتکب جلب به نظمیه و مجازات قانونی داده خواهد شد» (۱۵). یکی از مواد غذایی پرمصرف مردم گیلان در دوره‌های مختلف، ماهی و ماهی شور بود. بسیاری از ماهی‌فروشان، ماهی شور را در فضای باز نگهداری می‌کردند که خود باعث ایجاد بوی نامطبوع می‌شد. انجمن بلدیه طی اعلانی فروش ماهی شور را ممنوع نمود؛ «ماهی شور علاوه بر این‌که از وجود ایشان فائده‌ای نیست، گند کثافت این‌ها همیشه ملت را متأذی می‌سازد. برای نظافت کوچه سماکان، قدغن صریح در فروش آن شد که مزه ماهی، به گند ماهی نمی‌ارزد» (۱۵). در اجرای هرچه بیشتر سلامت مواد غذایی، بلدیه گیلان، حتی بر نوع برنج که از روستاها به شهر وارد می‌شد، نظارت کامل داشت. نقل از وقایع نگار روزنامه حبل‌المتین در خصوص برنج، «برنج جودار که به بازار فروش می‌آمد، بلدیه قدغن نمود، تمامت برنج خوراکی و تجاری، باید از دهات پاک و صاف وارد شود. از اول رمضان کسی نباید برنج جودار ناپاک وارد انزلی کند» (۱۴). نظارت انجمن بلدیه بر بهداشت مواد غذایی، باعث کاهش مرگ و میر افراد در این دوره شد. روزنامه خیرالکلام در شماره ۵۳ خود، کاهش مرگ و میر را به واسطه اقدامات بهداشتی بلدیه می‌داند؛ «هر سال این وقت که به واسطه کثافت شهر و خوراکی‌های نامناسب به انواع و اقسام امراض تلفات روی می‌داد، امسال حمد خدا را که به واسطه نظافت شهر توسط بلدیه و تمیزی اجناس و مآکولات چندان تلف در میان نیست» (۱۵). قیمت هر کدام از این مواد غذایی توسط انجمن بلدیه تعیین و توسط کارکنان بلدیه در دکان قصاب‌ها و نانواها نصب می‌شد تا به همان قیمت بفروشند (۱۴). روزنامه خیرالکلام خبر از نظارت انجمن بلدیه بر قیمت یخ می‌دهد، «چند روز که حرارت خورشید زمین را تافته، یخچالیان ما فرصت یافته، بنای تازه نهادند، اداره بلدیه دو نفر یخ‌فروش را که یخ از قرار ۱ من را ۲ قران فروخته بدند، مجازات حبسی در ماده ایشان مجری شد» (۱۵). یکی از اقدامات بسیار مهم بلدیه جهت در دسترس‌بودن مواد غذایی لازم مردم، جلوگیری از احتکار مواد غذایی در انبارها بود. در انجام این مهم بلدیه طی اعلانی، اعلام داشت که آنچه را که در انبارها است بعد از اخطار، در صورتی که از ارائه‌دادن آن مضایقه نمایند، انبارها را باز می‌کنند و اجازه فروش بدون اجازه بلدیه را ندارند (۲۸).

علاوه بر آنچه که در خصوص کارکردهای بهداشتی انجمن بلدیه رشت گفته شد، اقدامات دیگری چون نمره‌گذاری درب منازل، شماره‌گذاری درشکه‌ها، سرشماری نفوس، نظارت برکار اصناف و دستفروش‌ها نیز توسط انجمن بلدیه در عصر مشروطه در گیلان به انجام رسیده است. روزنامه خیرالکلام در خصوص ترتیب امور درشکه‌ها در رشت چنین می‌نویسد: «اداره بلدیه رشت برای انتظام امور درشکه‌جات موادی در فصول چهارگانه مرتب نموده که عموم مسافرین و درشکه‌چی‌ها در عهده شناخته، از آن مواد تخلف ننمایند» (۱۵). شماره‌گذاری درب منازل از جمله اقدامات بلدیه بود که با مخالفت‌های

بسیاری رو به رو شد. در روزنامه حبل‌المتین در این خصوص چنین می‌خوانیم: «انجمن بلدیه مشغول نمره‌گذاری خانه‌ها و عمارات عموم شهر است و بعد عده نفوس را معین خواهد نمود. بعضی از خوارج که مسلمان هستند و رعیت خارجه می‌باشند، نمره‌هایی که در سر درب خانه‌های آن‌ها زده‌اند را سیاه کردند، اما ارامنه و سایر خوارج تبعیت مسلمان‌ها نکرده‌اند و می‌گویند دولت مشروطه مقننه باید به تکالیف نظام‌نامه خود عمل کند» (۱۴). روزنامه خیرالکلام هم در شماره ۲۸ خود در خصوص سرشماری و نمرگذاری درب منازل می‌نویسد: «فردی را دیدم که با مأمورین بلدیه رشت مجادله می‌کرد که محال است من بگذارم در خانه‌ام را نمره بگذارید. مگر من مرده‌ام این چه بدعنی است شما آورده‌اید. اسم عیال و اطفال مرا چه کار دارید. من هرگز نخواهم نوشت. در کوچه دیگر صاحب خانه با مأمورین بلدیه در جدال است. می‌گوید این نمره ۱۳ نحس است، به در خانه من نزنید. نمره دیگر بزنید. نمره که قحط نیست» (۱۵).

نتیجه‌گیری

تشکیل انجن بلدیه رشت، متفاوت از روند شکل‌گیری دیگر انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه صورت گرفت. در برگزاری انتخابات انجمن بلدیه، نمایندگان مردم مختلف شهر رشت، بدون در نظرگرفتن گروه‌های طبقاتی انتخاب شدند. انجمن بلدیه رشت و دیگر شهرهای گیلان در عصر مشروطه کارکردهای بهداشتی فراوانی چون؛ نظارت بر کار پزشکان، بهداشت اماکن عمومی چون؛ حمام‌ها، مواد غذایی، سنگفرش نمودن خیابان‌ها، نمره‌گذاری درب منازل و سرشماری نفوس داشت. این انجمن توانست با تشکیل و حمایت از انجمن حفظ‌الصحه، اقدامات بهداشتی چون؛ امر آبله‌کوبی، واکسیناسیون و ایجاد ایستگاه‌های قرنطینه برای جلوگیری از ورود بیماری‌های واگیر در گیلان داشته باشد.

عواملی چون؛ مشکلات مالی انجمن و کارشکنی‌های افراد مختلف در انجمن (با توجه به نوع تشکیل انجمن بلدیه که از طیف‌های وگروه‌های مختلف مردم انتخاب می‌شدند)، باعث شد که انجمن بلدیه گیلان در نخستین تجربه کاری خود، در انجام اقدامات خود با کاستی‌هایی مواجه شود، اما می‌توان گفت که انجمن‌های بلدیه گیلان در عصر مشروطه توانستند، به عنوان نخستین مجریان امور بهداشت عمومی، فعالیت‌های تأثیرگذاری در این زمینه داشته باشند.

References

1. Ivanof MS. Enghelab Mashrootiat Iran. Translated by Ansari K. Tehran: Habibi; 1354. p.73. [Persian]

2. Kharabi F. Role of associations in mashroote Revolution. *Name Oloom Ejtemaei* 1379; 16: 63-90. [Persian]

3. Ettehadieh (Nezam Mafi) M. The Origin and Evolution of Constitutional Political Parties (First and Second Volumes of the National Assembly). Tehran: Gostareh Publication; 1361. p.149. [Persian]

4. Yazdani S. National Associations in the Iranian Constitutional Era, 1979-9: Tehran: Faculty of Literature and Humanities, Teacher Training University of Tehra.; 1379. p.21-48. [Persian]

5. Flor W. Searches for Iranian social history in the Qajar era. Translated by Seri A-GH. Tehran: Toos Publication; 1365. p.100. [Persian]

6. Afari J. The Constitutional Revolution of Iran. Translated by Rezai R. Tehran: Nashribeston; 2005. p.62. [Persian]

7. The Parliament Newspaper. 1325. No.2, 165. [Persian]

8. The Orange Book (Political Reports of the Russian Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution. Effort by Bashiri A. Tehran: Nashnur; 1367. Vol.1 p.170. [Persian]

9. Kermani N. History of Iranian Awakening. Effort by Saeedi Sirjani AA. Tehran: Amir Kabir Publication; 1346. p.91. [Persian]

10. Haghdar AA. Constituent Assembly and Constituencies (Forms of Negotiations, Approvals, Documents, Memoirs and Historiography of the First National Assembly). Tehran: Namak Publication; 1383. p.693, 696. [Persian]

11. Rabino H. Guilan mashroote. Translated by Roshan M. Rasht: Taati Publication; 1352. p.63. [Persian]

12. Dehghan M. How the First Association of the City of Rasht was Formed "Introducing Six Documents Recovered from the Guilan Constitution". Rasht: Taati Publication; 1380. p.76. [Persian]

13. Fakhraei E. Guilan in mashroote Revolution . Tehran: Amoozesh Enghelab Eslami Publication; 1371. p.39-40. [Persian]

14. Habl-o-al-Matin Youmieh Newspaper. 1325. No.97, 119, 139. [Persian]

15. Kheiro-al-Kalam Newspaper. 1327. No.24; 1328. No.28, 31, 45, 50, 51, 53, 57, 60, 63, 64, 74. [Persian]

16. Nikooye M. History of Rasht Baladieh az Mashroote ta 1320. Rasht: Ilia Publication; 1387. p.31. [Persian]

17. Binder H. Henri Binder travelogue. Translated by Afsar K. Tehran: Farhangsaraye Yasavoli; 1375. p.496-497. [Persian]

18. Lander AHS. Iran's political, social, cultural, economic and commercial situation is on the verge of constitutional "land of dreams". Translated by Rashidi AA. Tehran: Information Publication; 1392. p.147. [Persian]

19. Seyf A. Economic of Iran During 19th. Tehran: Cheshme Pub; 1373. p.272. [Persian]

20. The Nasim shomal Newspaper. 1328. No.68. p.4. [Persian]

21. Guilan Newspaper. 1326. No.7, 9; 1328. No.18; 1329. No.34. [Persian]

22. Flor W. public health in Iran During Qajar. Translated by Nabipoor I. Booshehr: Markaz Pajooheshhaye Salamat Khalij Fars; 1386. p.278. [Persian]

23. Sahel Nejat newspaper. 1328. No.9. [Persian]

24. Bohler M. Safarname Bohler (dar Zaman saltanat Naser-aldin Shah Qajar). Effort by Khodaparast AA. Tehran: Toos Publication; 1354. p.11. [Persian]

25. Clara C. Travelogue (Iranian Women and Their Lives). Translated by Azad A. Tehran: Ketabda Publication; 1383. p.10. [Persian]

26. Wils CH. Irans social History During Qajar Era. Translated by Seyyed Abdollah. Tehran: Zarrin; 1363. p.160. [Persian]

27. Anjoman Velayati Newspaper. 1325. No.3. [Persian]

28. Vaght Newspaper. 1328. No.7. [Persian]